

در پیشگاه ملت رشید الجزائر

استعمار زانو زد!

یا لجزیره و تحلیل حساب از پیروزی الجزائر

عاقبت علم رقم تمام کوششها و تلاشها مذبح خون و ایامها عدول استعماری پرچم استقلال الجزائر بر فراز سرزمینی که هنوز از خون جوانان و پیران و کودکان بیگناه رنگین است باعزاز درآمد.

گرچه فرانسویها این دارند و امروزه که استقلال الجزائر با میل و موافقت و خواست آنها صورت گرفته و آنها هم در اعطای استقلال این ملت شکیبایی دارند؛ ولی حقیقتاً بیست و سه دولت فرانسه این حق را ملت الجزائر داد؛ بلکه این ملت قهرمان و فداکار الجزائر بود که این حق مسلم را با تکیه بقدرت، اراد و آن غایبان مستغرب گرفته.

این حقیقت است که امروز برای تمام جهانیان آشکار است؛
عزیزت خون آدام را بنماده از هر گونه تلاش برای حفظ موقعیت خود کوتاهی نکرد؛
و آخرین قیافه فتنگی و دیوای خود را که حتی تصور آن مشکل بود بصورت و ارتقا
سری، و مبارزه سحرآمیز ۳۱ خونخوار آدم نما، نشان داد؛ و از کشتن و سوزاندن
و دیران کردن بدون هیچ قید و شرط؛ چیزی فروگذار نکردند.

داشتن جنابانی کرده که قوم خونخوار و وحشی، بول؛ بلکه گرگان بیابان را
رو علیه ساختند!

این «پیروزی درخشان» که یکی از بزرگان قیمت ترین پیروزیهای دوران تاریخ بشریت محسوب میشود؛ و بر این ۱۰ میلیون قربانی؛ ۱۰ میلیون مجروح؛ ۱۰ میلیون پنهان مرغان

خدا داده؛ و در عالم بیون حسرت مالی در طی سالها دراز نصیب مردم الجزائر شد.
نه تعاضلت مسلمان الجزائر این پیروزی پر افتخار را جشن بگیرد بلکه همه مسلمانان جهان نام «پیروزی اسلام» و جهان بشریت بنام «پیروزی انسانیت بر توحش و بر بریت» باید این پیروزی بزرگ را جشن بگیرند و بخندند و بدانند که این خاری که در چشم بشریت فرو رفته بود به استاین ملت قهرمان بر کنده شد.

این پیروزی که نظیر؛ مانند تمام حوادث بزرگ تاریخ؛ منبع الهام بخشی از انواع درسیهای آموزنده زندگی است که از میان آنها به موضوع که بر اینجا بیشتر جنبه حیاتی دارد اشاره میکنیم:



۱- پیروزی و دخان ملت مسلمان الجزائر و بر آن درآمدن استعمار دیر بر اراده آفتاب آنها این درس را بیاموزد که: «یک ملت هر قدر از نظر مادی تهیست و از نظر وسائل سنتی فقیر و از نظر سازمانها و اداره از دیدنکی عقب افتاده؛ و از نظر وسائل جنگی و دفاعی ضعیف؛ و با توان باشد هر گاه قلبی آکنده از ایمان بخدا و لیس از عشق به سعادت و پرهیزگی، پر افتخار، و عزم و اراده آهنین برای رسیدن به هدف و پاره کردن زنجیرهای استارت دولت؛ داشته باشد و در این راه با کوششهای عظیمانه بکند سرسخت ترین و نیرومند ترین و خونخوارترین دشمنان را برانو در میآورد؛!

بصرف و عقیقتاً که در حیات مادی موجب شکست و جرح و بیعت حیثیتی نخواهد بود و از عجز بر داشتند و بهالترین وجهی جبران خواهند شد.

آری دردهائی که تمام حسابها روی نیروهای مادی است؛ تمام تلاشها و کوششها و نفعهای بشری را با داشتن مواضع و وسائل مادی معنی نموده است؛ و ارزش ذاتی معنی بکنی فراموش شده است؛ و درس آموزنده بزرگی است؛ و برای منتهای استعمار زده و نوچیده جهان که بدینخانه هنوز قسمت مهمی از مردم دنیا را تشکیل میدهد و جنگال سیاه استعمار (بنامها و عناوین مختلف) هنوز گنوی آنها را میفشارد عایه و لغز می و امیدواری است!

این قبیل حوادث است که منطبق با طبیعت؛ و از کتمام ارزشهای معنوی و اخلاقی را زیر پا گذارده اند و همه جانکه بهدترتای مادی میکنند و در هم میکنند و با حیثیتها که قدرتهای معنوی (ایمان بخدا؛ فضائل و سجایای اخلاقی) از هر قدرتی برتر و بالاتر است؛ و با مینوای عقیقتها که گویای خود را در سایر قسمتها از این راه جبران کنیم.

۲- نکته مهم دیگری که پیروزی جنبه نجات بخش الجزائر با مایه مورد همان نفاق

ودوروشی و دروغ پردازی زمامداران دنیا و پیشروان قافله تمدن کنونی است .
استقلال الجزائر (باین سوزنی که انجام گرفت) شندیده و گویایی برای این نفاق
ودوروشی است چرا ؟ زیرا :

« همه میدانیم این آزادی بنا برنوسیه و فشار سازمان ملل متحد ، و مراجع مشابه آن
سرورت نگرفت .

بنا براسرار دول آزادیخواه « غرب » و دولتهای مدافع حقوق زحمتکشان و رنجدیدگان
« شرق » ؛ نبود .

بنا برخواهش حقوقدانها و دانشمندان و بااستیلاح قشرهای تحصیل کرده دنیای امروز نبود
بلکنه این آزادی رسماً منکفی بقدرت ممالی و خواست ملت رشید الجزائر و مختصری کمک
سایر مسلمانان بود . بدلیل اینکه سالیان دراز همه جهانیان ؛ تمام آزادیخواهان غرب و
طرفداران طبقات محروم شرق نشسته و منتظر . کشتار بیرحمانه ارتش فرانسه را تماشا کردند
بیش از هفتسال جو بهائی از خون بیگناهان در این سرزمین جاری بود و همه و همه (بدون
استثنا) نقش تماشاچی را بازی میکردند . آری ؛ برای خالی شدن عرشه گامگاهی از
اعطایار تأسف لفظی و کنشی و تظاهرانی در همین حدود خودداری نمیفرمودند !

سازمانهای بین المللی که برای جلوگیری از اسخافات و تعددات دولتهای زورگو بوجود
آمده بود نیز جزء همین تماشاچیان بود . دلیل آنهم معلوم بود زیرا اگر دانندگان این سازمانها
فرشتههای آسانی نبودند ؛ همین دوز زورگو و ظالم روی زمین بودند !

از همه مضحکتر اینکه عامل اصلی اینهمه جنایات (دولت فرانسه) از همان جرمی است
که در همه و تنظیم « اعلامیه حقوق بشر » پیش قدم بود و آنرا یکی از افتخارات خود
می پندارد ؛ و سهم خود را در تمدن کنونی بیش از همه میداند !

از این نکته نیز نباید غفلت کرد که ارتش خون آشام سری با آن جنایات بی حساب ، از
وحشیان جنگلهای آمازون و آفریقا بیروند ؛ بلکه از همان افسرانی بودند که سالها در ارتش
آزادی بخش فرانسه ا خدمت کرده بودند . معال گرفته بودند ؛ تشویق شده بودند . پنهانی
حساس را در اختیار داشتند ؛ و از همه بالاتر اینکه در دانشگاههای پر عرش و طول آن کشور
تحصیل کرده بودند و از شخصیتهای ممتاز اجتماع خود محسوب میشدند !

آری توجه باین نکات پرده از روی نفاق و دوروشی و دروغ پردازی زمامداران دنی
جهان بر میدارد و باعافاش میگوید ، الفاضلی از قبیل : آزادی ؛ تمدن ؛ حقوق بشر ؛ صلح ؛
انسان دوستی ؛ حمایت از ملت های محروم و ناتوان در نظر آنها النافذ تو خالی و بی ارزشی بیش
نیست که برای اغفال مردم ساده لوح بکار میرود . و سازمانهای پر عرش و طول بین المللی نیز
پاز پیچه فریبنده ای در دست آنهاست !